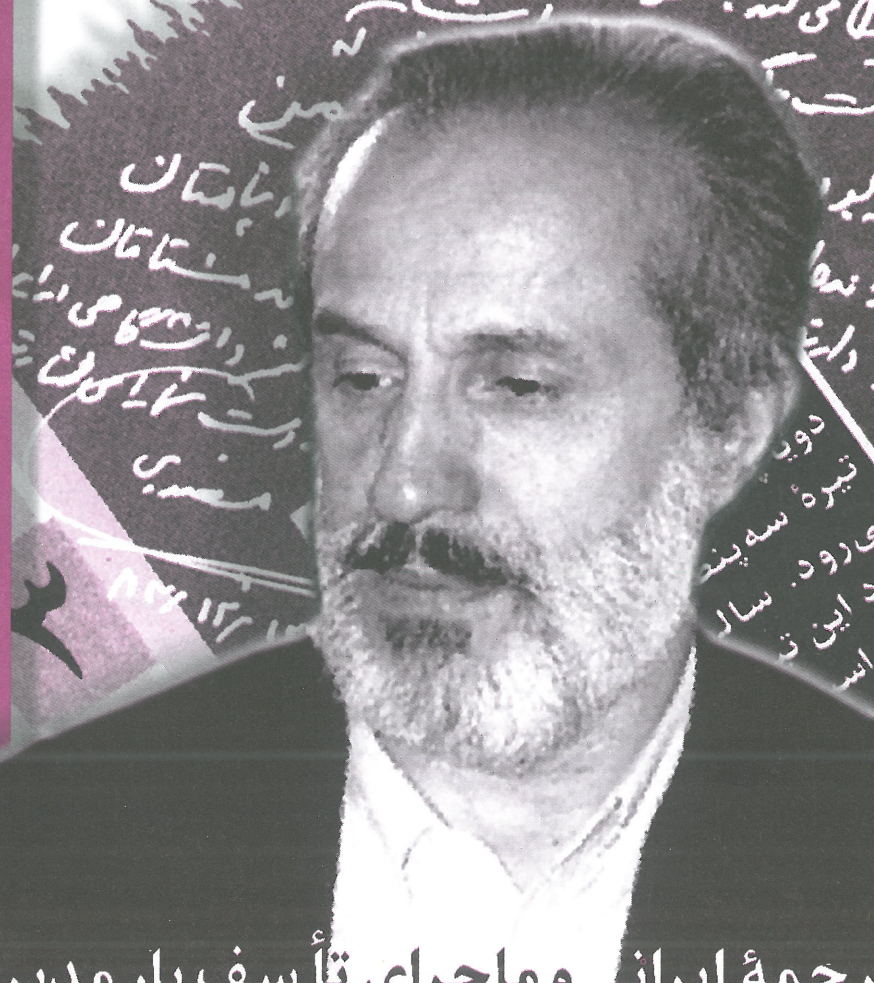




- ۲ تا بوی مٹی هست،
در این می‌کده هستیم
- ۶ ایستادن در برابر باد
- ۱۵ دفتر مجلات
ابتکاری برای اجبای مجلات
- ۱۷ چرا مجلات مرکز
به موقع در نمی‌آیند

مغایب لهر آتر
این شماره را دیدم و خواندم. سینه
شکر کردم که این مرکز عزیز سرانجام از
ری سقط طغیان پهلای کنه. تحولات زمین
ن مشکل نه تر است
بایم شادی آورید
میری و مرکز فرشته ای نه
اجاس داد



نشر متمرکز،
یک کاظمی

دو
تیره سه پند
می رود. سار
ورود این ق
مطرح اس
و مترج

نهضت ترجمه ایرانی و ماجرای تأسف بار مدیریت



تا بوی مئی هست، در این میکده هستم

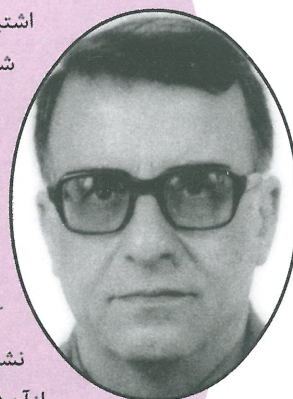
مهندس محمدرضا داهی

کار کردن در مرکز نشر دانشگاهی برای شخصی مثل من بسیار خوشایند است، نه از این لحاظ که امکانات فیزیکی (اتاق، میز، صندلی، اتومبیل، و...) آنچنانی دارم یا حقوقی در سطح بالا دریافت می‌کنم، بلکه ماهیت کارم دلپذیر است، تا آنجا که در ذهن خود هاله‌ای از تقدس در آن می‌بینم.

مطمئن نیستم، اما به احتمال زیاد دلیل گرایش من به کار کردن در این مرکز، سرخوردگی از بعضی کتابها بود که در دانشگاه درس می‌دادند و از آنها چیزی درک نمی‌کردم. روزی که با کار این مرکز آشنا شدم، فهمیدم منشأ کم‌اطلاعی من از کجاست.

از زمانه سپاسگذارم که در مدت ۱۸ سال گذشته، مرکز نشر دانشگاهی این فرصت را به من داد که نگذارم اشتباهات علمی شبیه آنچه در کتابهای دیگر خوانده‌ام یا دیده‌ام، در کتابهای این مرکز گنجانده شود. برای مثال، در هیچ یک از کتابهای مرکز نشر دانشگاهی غلطیهایی تا این ناراحت‌کننده مثل «... تمام عمر کربن ۱۴، ۱۲۰۰ سال است...»، یا «نشااسته از آمینواسیدهاست...»، یا «... در انگلستان از ۱۵۰۰ سال پیش ذرت پاییزه کشت می‌کردند...» که در کتابهای منتشر شده از سوی دانشگاههای بزرگ می‌بینیم، دیده نمی‌شود.

من در بخشی از مرکز نشر دانشگاهی کار می‌کنم که مشابه آن در سایر مؤسسات نیست، یا اگر هست، این کیفیت را ندارد. اگر وظیفه من با مسائل اداری، مالی یا خدماتی مرتبط بود، برایم فرق نمی‌کرد که در اینجا کار کنم یا جای دیگر؛ هر جا پول بیشتری می‌دادند، می‌رفتم. اما ماهیت کار اصلی مرکز نشر دانشگاهی با خواسته‌های من و امثال من هماهنگ است و به این سادگی، حداقل من نمی‌توانم از آن دل برکنم. متأسفانه شیوه اداره این مرکز نه در گذشته با ماهیت اصلی وظایف مرکز منطبق بود و نه اکنون هست.



ویراستاران این مرکز - که منظورم همه افرادی هستند که در تولید کتاب سهم دارند و فعالیتشان به بالا رفتن کیفیت کتاب می‌انجامد - در گذشته و حال هویت والای مرکز نشر دانشگاهی را حفظ کرده‌اند و می‌کنند. به سخی دیگر، مرکز نشر دانشگاهی بدون ویراستاران آن هیچ امتیازی بر دستگاه‌های انتشاراتی دیگر ندارد.

و ملخص کلام این است که نقطه ارتقا یا سقوط موقعیت مرکز نشر دانشگاهی اینجاست که تا چه اندازه از این افراد حمایت یا به آنها کم‌محلی شود. و امیدوارم روزی نیاید که بگوییم:

تا بوی مئی بود، در این میکده بودیم





در مرکز

خبرهایی از مرکز نشر دانشگاهی

■ با رأی شورا و حکم وزیر، رئیس مرکز انتخاب شد

با تصویب و تأیید شورای عالی انقلاب فرهنگی، حکم ریاست دکتر فرید مربر مرکز نشر دانشگاهی از سوی وزیر علوم، تحقیقات و فناوری صادر شد. دکتر مربر که از خرداد ماه سال ۱۳۸۳ سرپرستی مرکز نشر را به پیشنهاد دکتر جعفر توفیقی - وزیر علوم - بر عهده گرفته بود، سرانجام اکثریت آرای اعضای شورای انقلاب فرهنگی را کسب کرد و در چهارم اسفند از سوی این شورا تأیید شد. لازم به ذکر است که این شیوه انتصاب مختص دانشگاه‌هاست و مراکز علمی و پژوهشی دیگر صرفاً از سوی وزیر تعیین و تأیید می‌شوند. وزیر علوم، در حکم ریاست دکتر مربر که بیست و دوم فروردین ماه امسال صادر شد، نوشت:

برادر گرامی، جناب آقای دکتر فرید مر

با اهدای سلام و درود

نظر به مراتب تعهد، شایستگی و تجارب ارزنده جناب عالی در امر آموزش عالی و تحقیقات و به منظور تحقق هر چه بیشتر اهداف علمی و فرهنگی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، به استناد ماده ۱۰ اساسنامه مرکز نشر دانشگاهی و با توجه به مصوبه جلسه ۵۵۶ مورخ ۸۳/۱۲/۴ شورای عالی انقلاب فرهنگی به موجب این حکم به عنوان رئیس مرکز نشر دانشگاهی منصوب می‌شوید.

امیدوارم با سعی و اهتمام جناب عالی و بر اساس برنامه‌های تقدیم شده به مجلس شورای اسلامی و با بهره‌مندی از تجربه‌های مفید استادان، محققان و کارشناسان محترم و جلب مشارکت دانشگاهیان عزیز و همفکری با سایر مسئولان دانشگاهی در جهت اعتلای نظام آموزش عالی و پژوهش کشور، گام‌های مؤثری بردارید.

امید است با استعانت از خداوند متعال در انجام وظایف محوله موفق باشید.

■ دکتر منصوری: تحولات مرکز شادی آورند

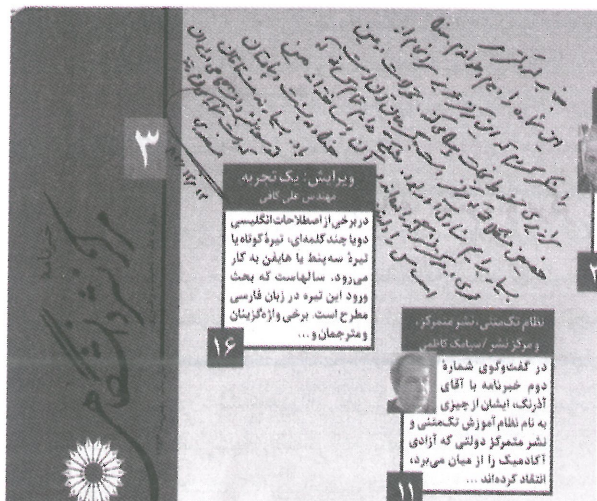
آقای دکتر منصوری، معاون پژوهشی وزیر علوم، تحقیقات و فناوری، روی جلد شماره ۳ خبرنامه چنین نوشته‌اند:

جناب آقای دکتر مر

این شماره را دیدم و خواندم. خدا را شکر کردم که این مرکز عزیز سرانجام از سرازیری سقوط نجات پیدای کند. تحولات در اوج مشکلاتی که مرکز دست به گریبان آن است، بسیار برایم شادی آور بود. شکی ندارم تمام کسانی که عمری در مرکز نشر گذرانده‌اند و آن را ساخته‌اند، همین احساس را دارند.

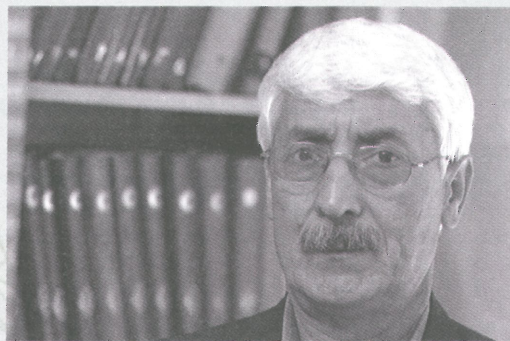
خداوند پشت و پناهتان باد. بسیاری مشتاقان توسعه نشر دانشگاهی در ایران که دست شما را می‌فشارند.

۱۲ اسفند ۱۳۸۳



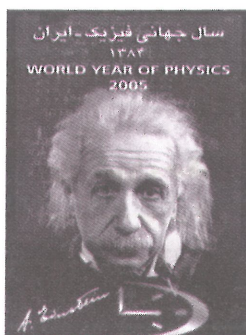
**■ ادغام دوباره واحدهای تولید، گرافیک، و فنی و چاپ**

با یکپارچه شدن واحدهای تولید، گرافیک، و فنی و چاپ، آقای مجتبی نوری به مدیریت آن برگزیده شد. دکتر مژدر حکم مدیریت آقای نوری که هشتم فروردین ماه امسال صادر شد، اظهار امیدواری کرده است که او با بهره‌گیری از تجارب خود به گونه‌ای عمل کند که آثار ارجاع شده به مرکز در کمترین زمان و با بهترین کیفیت به زیور طبع آراسته گردند.

**■ چند خبر از روابط عمومی**

روابط عمومی و بین الملل مرکز نشر دانشگاهی، از سوم تا نهم اسفندماه سال ۱۳۸۳ در نمایشگاه کتاب پنجره در دانشگاه صنعتی اصفهان شرکت کرد.

بیستم اسفندماه نیز، مراسمی در تالار وحدت برای بزرگداشت آغاز سال جهانی فیزیک و همچنین سالروز تولد آلبرت اینشتین برگزار شد. در این روز، روابط عمومی کتابها و نشریات علمی مرکز را برای آشنایی علاقه‌مندان با انتشارات مرکز و فروش آنها به دانشجویان و پژوهشگران شرکت‌کننده در مراسم به نمایش گذاشت.

**■ شیفت صبح و بعدازظهر حروفچینی ادغام شدند**

پس از یکپارچه شدن واحدهای تولید، گرافیک، و فنی و چاپ، نوبت‌های صبح و بعدازظهر حروفچینی در هم ادغام شدند. این کار برای سرعت بخشیدن به کار و مدیریت بهینه این بخش صورت گرفته است. در این صورت، پس از هفت سال کار دونوبته در مرکز نشر، کلیه کارکنان این واحد در نوبت صبح سر کار خواهند آمد. مرکز در حال گسترش فضا و امکانات حروفچینی است تا بتواند جوابگوی تعداد کارکنان این واحد باشد.

**■ کتابفروشی ۱۶ آذر؛ تلاش برای جلب رضایت دانشگاه تهران**

با مساعدت دکتر فرجی دانا، ریاست محترم دانشگاه تهران، امید به بازگشایی کتابفروشی ۱۶ آذر فزونی گرفت. کتابفروشی ۱۶ آذر، حدود بیست سال پیش از دانشگاه تهران اجاره شد. با اتمام مدت اجاره‌نامه‌چهار و بروز اختلاف در مورد چگونگی ادامه استفاده مرکز از فروشگاه فوق، دانشگاه تهران فروشگاه را به تصرف درآورد. در فروردین ماه امسال، دکتر مژدر نامه‌ای به دکتر توفیقی، وزیر علوم، تحقیقات و فناوری، ضمن اشاره به ماجرای فوق، نوشت: از حضرت عالی به عنوان مقام عالی هر دو دستگاه استدعا و توقع دارد که دستور فرمایید فروشگاه را ولو به طور موقت (حداکثر دو سال)، در اختیار مرکز نشر دانشگاهی قرار دهند.

در پایان، دکتر مژدر از طرف تمام دانشجویان و پژوهشگرانی که از خدمات مفید مرکز نشر دانشگاهی بهره‌مند می‌شوند، از دستور عاجل و اثر بخشی که جناب وزیر در این مورد صادر خواهند فرمود، تشکر و قدردانی کرده است.

خوشبختانه ریاست دانشگاه تهران در این مورد با حسن نیت برخورد کرده و امیدواریم برای بازگشایی این فروشگاه به وجود آورده اند.

■ معاونت پژوهشی به سنایی رفت

معاونت پژوهشی مرکز از ساختمان فردوسی (مرکزی) به سنایی (ساختمان شماره ۲) رفت. با این انتقال و نیز فعال شدن شبکه داخلی این ساختمان، امید می‌رود تحولات در این بخش رنگ و بو و شتاب تازه‌ای بگیرد. معاونت پژوهشی در طبقه سوم ساختمان سنایی مستقر شده است.

■ شبکه مرکز در ساختمان شماره ۲

واحد نوظهور فناوری اطلاعات مرکز که در سال گذشته فعالیت چشمگیری داشته است، برنامه‌های سال ۱۳۸۴ خود را اعلام کرد. بهره‌برداری از پایگاه اطلاع‌رسانی اینترنتی جدید مرکز و به‌روزرسانی این پایگاه، بهره‌گیری از سرویس ارتباطی ماهواره‌ای برای اتصال به اینترنت پرسرعت‌تر، ایجاد شبکه رایانه‌ای یکپارچه در ساختمان شماره ۲ (سنایی)، اتصال ساختمانهای مختلف مرکز نشر دانشگاهی از طریق ایجاد شبکه اینترنت (INTERANET)، آموزشهای عمومی و تخصصی همکاران مرکز نشر، و... از جمله برنامه‌هایی هستند که این واحد سرانجام آنها را دارد.



نمایشگاهها شرکت خواهد کرد. گرچه در سال گذشته در نمایشگاه استانی اردبیل شرکت کرده بود. اولین نمایشگاه پیش رو در شهر اصفهان برگزار می شود.

■ تسلیت به یک همکار

با خبر شدیم که پدر گرامی همکار خوبمان آقای بهادر مهین ترابی دارفانی را وداع گفته اند. خبرنامه مرکز نشر همراه با سایر همکاران، این مصیبت را به ایشان و سایر بازماندگان تسلیت می گوید.

■ تعاونی اعتبار سقف وام خود را افزایش داد



آقای یعقوبی، مسئول این تعاونی و چند تعاونی دیگر، اعلام کرد: تعاونی اعتبار در عرض یک سال گذشته دو بار سقف وام پرداختی خود را افزایش داده و آن را به سیصد هزار تومان رسانده است. در اوایل سال ۱۳۸۳ این رقم دویست هزار تومان بود که ابتدا به دویست و پنجاه هزار و در اسفندماه به سیصد هزار تومان رسید. این تعاونی هر ماه به چهار تا پنج نفر از اعضا وام قرض الحسنه اعطای می کند. اعضای توانمند پس از درخواست وام، کتاب از تاریخ دریافت آن مطلع شوند و در رأس موعد مقرر وام درخواستی را دریافت کنند. یعقوبی برنامه این تعاونی را در سال جاری، افزایش سقف وام تا پانصد هزار تومان اعلام کرد.

■ «بهداشت جهان» در مطب پزشکان



واحد بازاریابی و روابط عمومی، پانصد نسخه از شماره اخیر مجله «بهداشت جهان» را همراه با فرم اشتراک برای پزشکان تهرانی و شهرستانی ارسال کرد. این اقدام برای افزایش تعداد مشترکان مجله صورت گرفته است. همچنین نسخی از مجله «پژوهشهای ایران شناختی» که به زبان آلمانی منتشر می شود، به آدرس اعضای هیئت علمی دانشگاهها که در دانشگاههای آلمانی زبان تحصیل کرده اند ارسال شد. هدف از این کار، پیدا کردن خوانندگانی در کشورهای آلمانی زبان که به پژوهشهای ایران شناختی علاقه مندند است.

■ مرکز هم در نمایشگاههای استانی شرکت می کند

مدتی است وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نمایشگاههای استانی کتاب را به صورت دوره ای برگزار می کند. هر ماه یکی از استانهای کشور میزبان ناشران تهرانی و شهرستانی است تا هم علاقه مندان کتاب و کتابخوانی در اقصانقاط کشور به کتابهای روز دسترسی داشته باشند و هم ناشران در زمینه فروش کتابهای خود رونقی بیابند. روابط عمومی مرکز نشر هم از امسال به طور جدی در این

همایش ملی نشر و استاندهای آن، امسال برگزار می شود

۵. برداشت شما از اصطلاح «تصنیف» چیست؟
 ۶. جایگاه «تصحیح» را در مقوله نشر همتر از چه می دانید؟
 ۷. نظر شما در مورد اصطلاحهای «تألیف و ترجمه» و «ترجمه و تلخیص» چیست؟
 ۸. دیدن یک عنوان و یک نام بر روی جلد کتاب و بدون اشاره به نوع اثر چگونه اثری را در ذهن شما تداعی می کند؟
 ۹. با اصطلاحهای «زیر نظر»، «به اهتمام»، «به کوشش» و... موافق هستید؟
 ۱۰. به نظر شما برابرنهاد ویراستار برای واژه editor صحیح است؟
 ۱۱. آیا با سیاست درهای باز فعلی تألیف و ترجمه آثار علمی موافق هستید؟ پیشنهاد شما چیست؟
 ۱۲. به نظر شما کمیته ویرگیهای یک مترجم متون علمی کدامند؟ با بررسی صلاحیت تخصصی مترجمان آثار علمی موافق هستید؟
- این نامه برای حدود ۳۰۰ نفر ارسال شد. لازم است بگوییم که هنوز زمان دقیق برگزاری همایش و نیز عنوان دقیق آن تعیین نشده است.

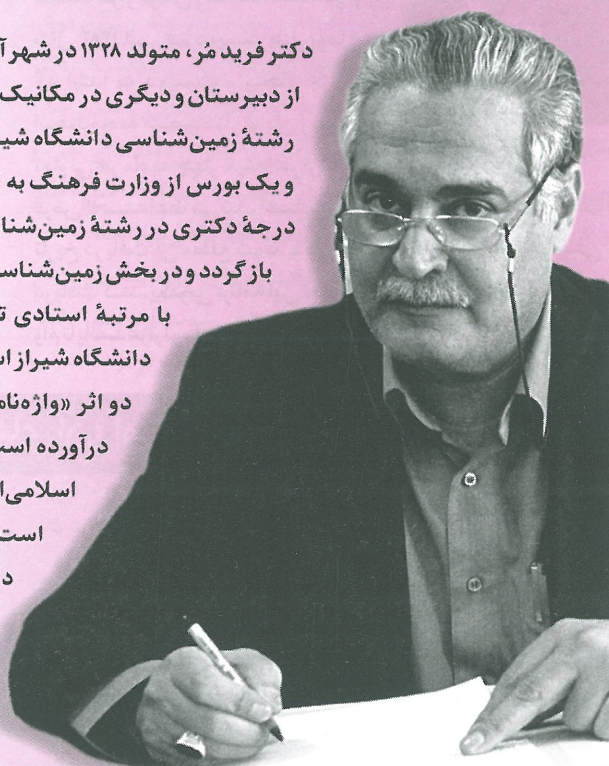
- مرکز نشر دانشگاهی برای تعریف شفاف، دقیق، درست و منطبق با استاندهای جهانی اصطلاحات مرتبط با مقوله نشر آثار علمی، همایشی ملی را در سال جاری برگزار خواهد کرد. به همین مناسبت، نامه ای از سوی رئیس مرکز خطاب به صاحب نظران و متخصصان حوزه نشر کتاب ارسال شده است. در مقدمه این نامه به وضعیت نابه سامان نشر آثار علمی اشاره رفته و از بی حصار بودن عرصه نشر آثار علمی و درهم آمیختگی سره و ناسره گلایه شده است. سپس با اعلام برنامه مرکز نشر دانشگاهی برای برگزاری همایش یادشده، اظهار امیدواری شده است که این گام آغازگر حرکتی جدی برای پرداختن به دیگر مسائل این حوزه شود. سؤالات دوازده گانه منضم به این نامه از این قرارند:
۱. به نظر شما به چه اثری تألیف می گویند؟
 ۲. آیا ترجمه انواع گوناگون دارد؟ اگر پاسخ مثبت است چرا باید چنین باشد؟
 ۳. اقتباس و گردآوری را چگونه تعریف می کنید؟
 ۴. تدوین را چه می دانید؟



استادان در برابر ما

مرکز در سالی که گذشت؛ مرکز در سالهایی که خواهد آمد
در گفت‌وگو با دکتر فرید مُر

دکتر فرید مُر، متولد ۱۳۲۸ در شهر آبادان است. او در همین شهر دودیلیم، یکی در رشته طبیعی از دبیرستان و دیگری در مکانیک از هنرستان صنعتی شرکت ملی نفت گرفت. در سال ۱۳۵۰ در رشته زمین‌شناسی دانشگاه شیراز پذیرفته شد و چهار سال بعد با یک رتبه اولی در این رشته و یک بورس از وزارت فرهنگ به انگلستان رفت تا پنج سال پس از آن، یعنی در سال ۱۳۵۹، با درجه دکتری در رشته زمین‌شناسی اقتصادی از دانشگاه لندن به دانشگاه اول خود، شیراز، باز گردد و در بخش زمین‌شناسی این دانشگاه مشغول به کار شود. او بیش از ده سال است که با مرتبه استادی تدریس می‌کند و اکنون استاد پایه ۲۷ بخش زمین‌شناسی دانشگاه شیراز است. در حوزه کتاب، ۲۲ کتاب را تألیف یا ترجمه کرده و به‌ویژه دو اثر «واژه‌نامه جامع زمین» و «واژگان زمین‌شناسی» را به رشته تحریر درآورده است. به این مناسبت، تا کنون دو بار برنده کتاب سال جمهوری اسلامی ایران و شش بار برنده جایزه بهترین ترجمه علمی سال شده است. در این گفت‌وگوی دیرهنگام با رئیس جدید مرکز نشر دانشگاهی، تصویری از شرایط پیش روی دکتر مُر در بدو ورود به مرکز، اقدامات او در این فرصت ده‌ماهه و برنامه‌های او برای آینده ترسیم گردیده و بعضی مشکلات موجود و آینده در حد مجال برشمرده شده است.



زیادی صورت گرفته است. مرکزی که من با آن مواجه شدم بسیار فرسوده بود و از بازار روز پُر رقابت و فعال نشر عقب مانده بود و به نظر می‌آمد که از نظر اقتصادی پاسخگوی مخارج خود نیست. کارکنان آموزشهای به‌روزکننده ندیده بودند و از بسیاری از اطلاعاتی که باید بهره‌مند می‌بودند، بهره‌مند نبودند. تقریباً هیچ‌کس در حد ICDL با رایانه آشنایی نداشت و نرم‌افزارهای گرافیکی جدید و متنوع رایج، در مرکز غریبه بودند. تقصیری متوجه افراد نبود، زیرا تجهیزات و سخت‌افزار لازم برای استفاده از این نرم‌افزارها زیر دست کارکنان قرار نداشت. از طرف دیگر، کتابهای زیادی در نوبت چاپ گیر کرده بودند و از زمان تعیین شده برای چاپ آنها

■ آقای دکتر مُر، معمولاً به بهانه پایان سال شمسی آدمها از خودشان یا دیگران می‌پرسند سال گذشته چطور سالی بود؟ ما هم هیچ ترتیبی و آدابی نمی‌جوییم و همین سؤال را از جناب عالی می‌پرسیم.
من ترجیح می‌دهم در مورد آینده صحبت کنیم تا گذشته...

■ اشکالی ندارد؛ نیمی در مورد گذشته صحبت کنید، نیمی در مورد آینده.

من از خردادماه به مرکز آمدم و در واقع هنوز یک سال هم از شروع کار من نمی‌گذرد. اما فکر می‌کنم در این مدت زمان نسبتاً کوتاه، در مرکز کارهای



سایت قرار دهیم تا دانشجویان و دانشگاهیان و کلیه علاقه‌مندان بتوانند از طریق رایانه‌های شخصی خود به آنها دسترسی داشته باشند.

موضوع دیگر، کتابهایی بودند که زمانی طولانی در نوبت چاپ مانده بودند و باید به سرعت چاپ می‌شدند. تعداد زیادی کتاب هم بودند که نسخه‌های آنها تمام شده بود و باید تجدید چاپ می‌شدند. سعی کردیم که تا آخر سال این دودسته از کتابها را به چاپ برسانیم.

واحد حروفچینی بازسازی شد و محل آن به جای مناسبی که از نظر بهداشتی و تجهیزات وضعیت بهتری داشت تغییر کرد. امیدوارم باز هم بتوانیم این واحد را توسعه دهیم و از آن استفاده مناسب‌تر و بهتری بکنیم.

بسیاری از ویراستاران و مترجمان و نویسندگانی که مرکز را ترک کرده بودند، در دوره جدید فعالیت مرکز دوباره به ما پیوستند. رؤسای بعضی گروهها تغییر کردند و سعی شد افراد شناخته‌شده‌تر و فرهیخته‌تری سکان هدایت آنها را در دست گیرند. شوراهای پژوهشی گروه‌ها فعال شدند تا دیگر انتخاب کتابها به صورت فردی و سلیقه‌ای صورت نگیرد، بلکه این شوراهای پژوهشی باشند که با نگاه

تخصصی و کارشناسی، کتابها را بررسی و ارزیابی و برای ترجمه، تألیف و چاپ انتخاب می‌کنند.

شورای عالی مرکز هم دوباره فعال شده و در چند جلسه‌ای که داشته، خط‌مشیهای کلی مرکز را تعیین کرده است.

ساختمان شماره ۳ به طور کامل بازسازی شده و در ساختمان شماره ۲

نیز تغییرات و اصلاحاتی صورت گرفته است و فکر می‌کنم که فضای فیزیکی خیلی بهتری نسبت به قبل برای فعالیت در آنها به وجود آمده باشد. تعدادی از گروه‌ها و واحدها از ساختمان مرکزی به این دو ساختمان نقل مکان کرده و دیگر تقریباً جا افتاده‌اند.

مرکز مقدار زیادی بدهکاری به جاهای مختلف، از جمله دانشگاه آزاد اسلامی، داشت که یا به صورت نقدی باز پرداخت شدند یا تعدات کاری در قبال آنها به انجام رسید. مثلاً در مورد دانشگاه آزاد اسلامی، مرکز متعهد به خرید تعداد زیادی کتاب خارجی شده بود که بخشی از این کتابها تهیه شد و در ازای بقیه تعهد به صورت نقد تسویه حساب گردید. واحد سفارشهای خارجی مرکز هم بازسازی شد و فعالیت خود را به طور جدی از سر گرفت.

یکی دیگر از مشکلات مرکز، وضعیت امور مالی آن بود. امور مالی مرکز قبلاً در چند واحد جداگانه انجام می‌شد. مثلاً سفارشهای خارجی برای خودش ذی حساب جداگانه داشت، توزیع هم برای خودش و... ماکلیه امور مالی مرکز را ذیل یک واحد امور مالی متمرکز کردیم. این خود یک سامان‌دهی بزرگ بود و کمک کرد تا کلیه حسابهای مرکز شکل قانونی به خود بگیرند.

در این میان، بعضی فعالیتهای چندین موفق و ناموفق مرکز را متوقف کردیم. از جمله، متأسفانه طرح «فرهنگ فارسی» بود که هفده هجده نفر در آن فعال بودند، اما از آنجا که آنچه تهیه شده بود در خور مرکز نبود، بنا بر تشخیص متخصصان و همچنین اوضاع و شرایط مالی مرکز، متوقف شد

پنج سال و ده سال و حتی پانزده سال می‌گذشت. تعدادی از ویراستارهای شناخته‌شده و بزرگ که با مرکز همکاری می‌کردند، از مرکز رفته بودند و جای آنها خیلی خالی بود. نوبت چاپ کتابها آن‌گونه که از قبل تعیین شده بود رعایت نمی‌شد و کتابهایی خارج از نوبت به چاپ می‌رسیدند...

برای سروسامان دادن به این اوضاع به هم ریخته چند حرکت اصلاحی با هم شروع شدند. اول اینکه تجهیزات رایانه‌ای جایگزین شدند. برنامه‌زیر ساخت فناوری اطلاعات طراحی شد و برای اجرای آن یک واحد فناوری اطلاعات (IT) تأسیس گردید. این واحد در حال حاضر با یک سرپرست و چهار کارمند بخشی از این شبکه را به وجود آورده و در حال تکمیل آن است. شبکه داخلی مرکز در ساختمان شماره ۳ راه‌اندازی شد. سخت‌افزارها و نرم‌افزارهای لازم برای به‌روز کردن شبکه مرکز خریداری شدند و امکان اتصال به اینترنت پرسرعت (ISDL) فراهم آمد.

از طرف دیگر، یکی از واحدهایی که به نظر من می‌بایست خیلی فعال باشد، و نبود، واحد روابط عمومی مرکز بود. روابط عمومی به طور کامل

بازسازی شد و کارکنان آن به‌کلی تغییر کردند؛ هم به لحاظ کیفی و هم به لحاظ کمی. تعداد کارمندان این بخش افزایش چشمگیری یافت، شرح وظایف جدیدی برای آنها نوشته شد، و امکانات مناسب مورد نیاز این واحد تهیه گردید.

موضوع مشکل ساز دیگر، مجلات مرکز بودند. مرکز حدود ده نشریه علمی منتشر می‌کند. زمان

انتشار این نشریات مشخص نبود و نامرتب چاپ می‌شدند. مخاطبان آنها هم شناسایی نشده بودند. بنابراین، مجلات به دست بسیاری از کسانی که باید می‌رسید، نمی‌رسید و به خیلی جاها هم به صورت نمایشی ارسال می‌شد. در نتیجه، انباری داشتیم لبریز از نشریه‌هایی که به فروش نرفته بودند. برای رفع این مشکل، دفتر مجلات تشکیل شد. تعدادی از مدیران مسئول، سردبیران و اعضای هیئت تحریریه تغییر کردند. خوشبختانه وضع انتشار مجلات در حال سامان گرفتن است و انتشار آنها تا حدودی به نظم و ترتیب درآمده است.

در کنار این مسئله، بازاریابی مجلات و کتابهای مرکز هم نیاز به یک تکاپوی جدی داشت. مرکز نمی‌توانست با ناشران خصوصی و سایر ناشران دولتی رقابت کند. بنابراین، واحد بازاریابی تأسیس شد و وظیفه آن شناسایی مخاطبان و ایجاد ارتباط و تماس مداوم با آنها تعیین گردید. این واحد باید شیوه‌های نوین بازاریابی را با استفاده از فناوری اطلاعات تدوین کند و آنها را به اجرا درآورد.

سایت اینترنتی سابق مرکز تعطیل شده و در حال بازنگری کلی است. سایت جدید باید ارتباط واحدهای مختلف مرکز را برقرار کند و به نویسندگان و مترجمان مرکز این امکان را بدهد که پیشرفت کار کتاب خود را هر لحظه که بخواهند پیگیری کنند. ما امیدواریم که بتوانیم بزرگترین کتابخانه الکترونیکی به زبان فارسی را حداقل در حوزه کتب دانشگاهی به وجود بیاوریم و تمام آثار منتشره مرکز را با قالب مناسب در



در بخشی از برنامه چهارساله مرکز نشر تعداد

عناوین کتابها از ۱۲۰۰ عنوان به ۲۰۰۰ عنوان،

تعداد عناوین مجلات از ۱۲ عنوان به ۲۰ عنوان، و

تعداد گروههای علمی از ۹ گروه به ۲۵ گروه



و کار برای انجام، تحویل فرهنگستان زبان و ادب فارسی شد. امیدوارم با مشارکت آنها بشود اثر بهتر و شایسته تری منتشر کنیم. البته دامنه همکاری مرکز با فرهنگستان و سایر مراکز گسترده تر از اینهاست. در ماههای اخیر دو تفاهمنامه همکاری، بین مرکز با فرهنگستان و مرکز با انتشارات سمت امضا شد.

■ فهرست کارهای انجام شده در سال ۱۳۸۳ خیلی طولانی شد. من نگران هستم که خوانندگان خبرنامه از خواندن ادامه مصاحبه ملول و منصرف بشوند. اجازه بدهید بپرسم که پول این تغییر و تحولات از کجا تأمین شده است؟
در نه ماه گذشته، یک ریال کمک مالی به مرکز نشر دانشگاهی نشده است. متأسفانه بودجه درخواستی مرکز برای سال ۱۳۸۴ از وزارت علوم هم تصویب نشد و ما کماکان باید خودمان به عنوان یک بنگاه اقتصادی خودگردان سر پا بمانیم. در این گزارش کارهای سال ۱۳۸۳، فراموش کردم این موضوع مهم را هم بگنجانم که حقوق کارکنان مرکز به شدت کم بود. این حقوقها در دو سه مرحله ترمیم شدند. ما در مرکز با بسیاری حقوقها مواجه شدیم که زیر حداقل تعیین شده دولت بودند. ده ماه پیش جمع دریافتهای کارمندان مرکز هجده میلیون تومان در ماه بود که در حال حاضر این رقم به چهل میلیون تومان رسیده است.

■ بالاخره متوجه نشدم که این افزایش شدید هزینه ها چطور تأمین شده است؟

از فروش کتابها. مرکز نشر تعدادی کتاب پرفروش دانشگاهی دارد که مرتباً تجدید چاپ می شوند. این البته آرمان مرکز است که بتواند از طریق فروش محصولات خودش سر پا بماند و به اصطلاح در قالب یک بنگاه اقتصادی خودگردان عمل کند، اما در شرایط حاضر که بسیاری عقب ماندگی ها باید جبران شوند و رسیدن به یک وضعیت پایدار نیازمند سرمایه گذاری نسبتاً زیادی است، ما باید حتماً از طرف دولت مورد حمایت قرار بگیریم.

■ یعنی وضعیت درآمدی مرکز نسبت به سابق تغییر نکرده است؟
تقریباً خیر. ما هم از همان منابعی برخورداریم که سالهای گذشته مرکز از آنها برخوردار بوده است. با وجود این، همان طور که گفتم، سرجمع حقوق کارکنان مرکز از هجده میلیون تومان به چهل میلیون تومان (یعنی بیش از دو برابر) رسیده و تعمیرات و تغییرات وسیع در مرکز هم بیش از یک صد میلیون تومان هزینه مستقیم برده است. با وجود این، مرکز همچنان سرپاست و به حیات خودش ادامه می دهد.

■ آقای دکتر، امکان دارد که بدانیم مرکز چقدر سرمایه به صورت املاک و مستغلات دارد؟

مرکز سه ساختمان در مالکیت خود دارد که عبارتند از ساختمان های شماره ۲ و ۳، و ساختمانی در خیابان جمهوری. ساختمان مرکزی مالک دیگری دارد که با مرکز وارد دعوای حقوقی شده است.

■ فقط همین؟

یک انبار کتاب هم در ملارد دارد. متأسفانه ساختمان جمهوری و انبار

ملارد بسیار گران تر از ارزش واقعی آنها خریداری شده اند. به علاوه، از ساختمان جمهوری هم استفاده ای نمی شود.

■ کتابفروشی خیابان شانزده آذر چی؟

مالک آن کتابفروشی دانشگاه تهران بود که طبق توافق نامه ای برای مدتی آن را در اختیار مرکز قرار داده بود.

■ شنیده ها حاکی از آن است که در مورد ریاست جناب عالی بر مرکز نشر دانشگاهی، در شورای عالی انقلاب فرهنگی رأی گیری شده است. جریان از چه قرار است؟

حکم من توسط وزیر علوم صادر شده بود. ولی بعد با اعتراضهایی که صورت گرفت، از طرف شورای عالی انقلاب فرهنگی، اساسنامه مرکز تغییر کرد و قرار شد که حکم رئیس مرکز به پیشنهاد وزیر و تأیید شورای عالی انقلاب فرهنگی تنفیذ شود. در واقع، ما تنها واحد پژوهشی کشور هستیم که رئیس آن مانند رؤسای دانشگاهها انتخاب می شود. پنجم اسفندماه ۱۳۸۳ رأی گیری نهایی در شورا به عمل آمد و به این ترتیب بنده رسماً به مدت چهار سال در مرکز نشر دانشگاهی به کار مشغول خواهم بود.

■ خوب، این چهار سال را چه کار خواهید کرد؟

خوشبختانه شروع این دوره چهار ساله با برنامه چهارم توسعه همپوشانی دارد. بنابراین، ما هم یک برنامه چهار ساله برای مرکز ترسیم کرده ایم. از جمله اینکه تعداد عناوین کتابهای مرکز را که در ۲۴ سال گذشته ۱۲۰۰ عنوان بوده است، به ۲۰۰۰ عنوان در پایان برنامه برسانیم، نشریات را از ۱۲ عنوان فعلی به ۲۰ عنوان و گروه های علمی را از ۹ گروه به ۲۵ گروه افزایش دهیم.

توجه و علاقه زیادی به بخش آموزش داریم و آرزو مندیم که بتوانیم در رشته های ویراستاری و نمونه خوانی مدارک و گواهینامه های رسمی مورد تأیید وزارت علوم را صادر کنیم.

می خواهیم زبان فارسی را به عنوان زبان علم در منطقه کشورهای فارسی زبان ترویج کنیم و به بازارهای نشر کشورهای افغانستان و تاجیکستان و شبه قاره هند نفوذ کنیم.

می خواهیم بزرگترین کتابخانه الکترونیکی ایران را تأسیس کنیم. می خواهیم در تدوین و انتشار کتب دانشگاهی چه به صورت مستقل و چه به صورت مشترک با انتشارات سمت یا فرهنگستان تلاش کنیم.

می خواهیم به فناوری روز نشر مجهز شویم. می خواهیم تمام کارکنان مرکز، بدون استثنا، به تناسب و وظیفه ای که به عهده دارند آموزشهای لازم را ببینند.

می خواهیم ساختمان مناسب و شایسته ای - ترجیحاً متمرکز - برای تمام بخشهای مرکز تهیه کنیم.

...

می خواهیم در کاری که می کنیم بهترین باشیم.

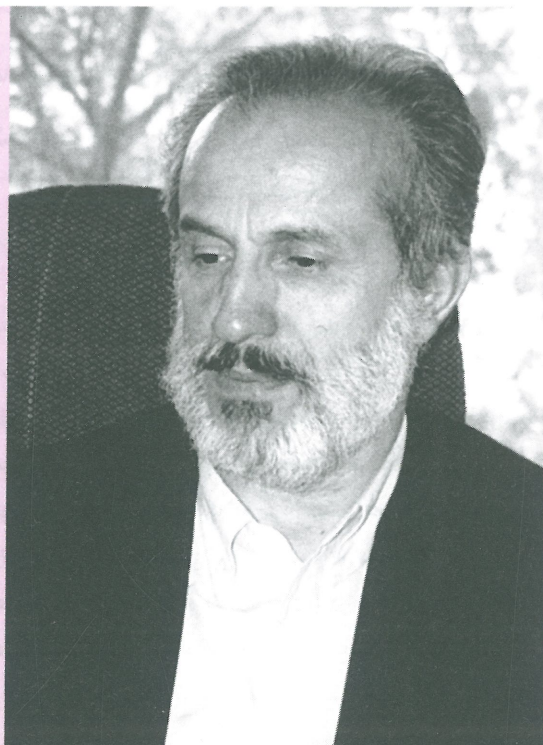




نهضت رحمة ابرانی و ماحرایی تأسیف بار مدیریت

گفت‌وگویی با دکتر رضا منصوری، معاون پژوهشی وزیر علوم، تحقیقات و فناوری

دکتر رضا منصوری در سال ۱۳۲۶ در تهران متولد شده است. او تحصیلات دانشگاهی‌اش را در رشته فیزیک در دانشگاه وین در اتریش به پایان رساند و در همین دانشگاه مدتی با رتبه استادیاری تدریس کرد. با وقوع انقلاب، در سال ۱۳۵۸ به کشور بازگشت و عضو هیئت علمی دانشگاه صنعتی شریف شد. او از ابتدای تشکیل کمیته‌های تألیف و ترجمه در جهاد دانشگاهی حضور فعال داشت و پس از شکل‌گیری مرکز نشر دانشگاهی هم سالها رئیس گروه فیزیک بود. در سال‌های ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۲ در مقام معاون پژوهشی مرکز کار کرد. مجله فیزیک به عنوان یکی از اولین مجلات تخصصی مرکز، بیست و دو سال است که با مدیریت مسئولی او منتشر می‌شود. دکتر رضا منصوری در سالهای اخیر معاون پژوهشی وزیر علوم، تحقیقات و فناوری بوده است. مشغله‌ها و مشاغل دکتر منصوری از حوصله چنین نشریه‌ای بیرون است. با وجود این، فعالیت پرشتاب او در به انجام رساندن امور، سرانجام فرصتی را نیز نصیب ما کرد تا در مورد مرکز نشر دانشگاهی گفت‌وگو کنیم. هنگام این مصاحبه دکتر به تازگی از بستر بیماری برخاسته و توصیه‌های پزشک معالج را پشت گوش انداخته بود!



■ آقای دکتر منصوری، نسبت شما با مرکز نشر دانشگاهی چیست؟

قبل از شروع فعالیتی که اسمش شد مرکز نشر دانشگاهی، در سال ۱۳۵۹ در جهاد دانشگاهی کمیته‌های تألیف و ترجمه فعال شدند. در این زمان، دانشگاهها به خاطر انقلاب فرهنگی تعطیل بودند و اساتید دانشگاهها وقت آزاد زیاد داشتند و بنابراین کمیته‌های

تألیف و ترجمه یکی از بهترین جاهایی بود که می‌توانستند کار علمی بکنند. من هم در این دوره مسئول یکی از این کمیته‌ها، یعنی کمیته فیزیک، بودم. این کمیته‌ها در سال ۱۳۶۰ از جهاد دانشگاهی جدا شدند و به خیابان وزرا نقل مکان کردند و به اسم «مرکز نشر دانشگاهی» فعالیت خود را پی گرفتند.



■ مرکز نشر دانشگاهی از نظر بنیان‌گذاران آن متولی یا متکفل چه هدفی بود؟

از نظر پایه‌گذاران مرکز نشر، زبان و تفکر مستقل از هم نبودند و تدریس کتاب به زبان انگلیسی یا تدریس به فارسی پراشتباه و نادرست می‌توانست تأثیرات سوئی در دانشجویان بگذارد. پیش از انقلاب زبان فارسی زبان علمی نبود و مادر واژه‌ها، مفاهیم، نحو و دستور زبان فارسی برای علم مشکل داشتیم. تجربه ویرایش زبانی در قبل از انقلاب خیلی کم بود. نشر کتب علمی به زبان فارسی رونق نداشت و در دانشگاهها

دانشجو وادار می‌شد اصل انگلیسی را بخواند. مرکز نشر دانشگاهی متولی تبدیل زبان فارسی به یک زبان علمی بود که در آن دانشجوی مفاهیم و واژگان علمی را فارسی ببیند و بخواند تا به لحاظ فلسفی و روان‌شناسی اجتماعی دچار آسیب و مشکل نشود. از همان آغاز، گروه‌های واژه‌گزینی از میان متخصصان و علاقه‌مندان

شکل گرفتند و اولین آنها از فیزیک شروع شد. تجربه واژه‌گزینی اکنون به فرهنگستان زبان و ادب فارسی و شورای واژه‌گزینی آن منتقل شده است و این کار به صورت دقیق‌تر و تخصصی‌تری دنبال می‌شود. کمیته‌های علمی اولیه در مورد اینکه چگونه و چه کتابهایی انتخاب شوند تصمیم می‌گرفتند. در همان سال اول بیش از هزار عنوان کتاب برای ترجمه و انتشار تعیین شدند که دیگر تقریباً همه آنها ترجمه و چاپ شده‌اند. البته برخی عناوین هفده هجده سال طول کشید تا چاپ شوند. گستردگی و شتاب این حرکت - انتخاب، ترجمه و نشر کتاب دانشگاهی به فارسی - به قدری بود که در ایران دهه شصت یک نهضت ترجمه ایرانی شکل گرفت و مجموعه‌ای از بهترین کتب درسی دانشگاهی با ترجمه‌های دقیق و ویرایشهای بسیار کم اشتباه را در اختیار جامعه دانشگاهی کشور قرار داد.

■ با این حساب، فعالیت مرکز نشر دانشگاهی بعد از تصویب عناوین کتابها شروع شد؟

فعالیت اولیه کمیته‌های تألیف و ترجمه کتابها، دستور کار مرکز نشر

دانشگاهی را برای سالها معلوم کرد. مرکز نشر دانشگاهی با کمک تجربه گران قیمتی که در مورد ویرایش و نشر کتاب در دانشگاه آزاد کسب کرده بود، شروع به آماده‌سازی و نشر کتاب دانشگاهی کرد.

■ گویا الگوی نشر کتاب در دانشگاه صنعتی در انتشار کتابهای مرکز تأثیر زیادی گذاشته است؟

بله، شاید بهتر باشد بگوییم که سنت ویرایش از دانشگاه آزاد و سنت کتاب خوب در آوردن از انتشارات دانشگاه صنعتی شریف الگو گرفته شد.

ترکیب آن انتخابهای خوب عناوین، ترجمه‌های تخصصی، ویرایش دقیق و نشر خوب، نهضت ترجمه ایرانی را در دهه اول به پیش بردند و تا سالها کتابهای علمی درسی مناسب را در اختیار دانشجویان دانشگاه‌ها قرار دادند. این وضعیت پیش از این در ایران سابقه نداشت، اما متأسفانه بعدها به خاطر نوع مدیریت از اهداف اولیه دور شد و

نتوانست شتاب خود را حفظ کند.

■ معمولاً وقتی حرف به اینجا می‌کشد، مسئله ضعف مدیریت مطرح می‌شود. فکر نمی‌کنید اوضاع و احوال زمانه در این بی‌رونقی مؤثرتر بوده‌اند؟ مثلاً اینکه دانشگاه‌ها خود به نشر کتاب روی آورده‌اند و انحصار را از مرکز نشر دانشگاهی گرفته‌اند...

عوامل زیادی در واپس‌گرایی مرکز نشر دخیل بودند: رشد تعداد دانشگاهها، رشد تعداد دانشجویان، رشد تعداد مقاطع تحصیلی، ورشد رشته‌های دانشگاهی. اینها همه عواملی بودند که توجه به نهضت ترجمه را کند می‌کردند. به این معنا که بخش زیادی از مترجمان عضو هیئت علمی دانشگاهها بودند که بعد از بازگشایی دانشگاهها گرفتار تدریس شدند. اما از طرف دیگر، مادر دهه اول در دانشگاهها هفتصد هزار دانشجو داشتیم که در دهه بعد به یک و نیم تاد و میلیون نفر افزایش پیدا کردند. در نتیجه این افزایش، نیاز به کتاب بیشتر شد. بنابراین، ما باید در دهه دوم تیراژ کتاب را افزایش می‌دادیم. تعداد اعضای هیئت علمی هم در دهه دوم افزایش چشمگیر یافته و به بیش از پنجاه هزار نفر رسیده بود



مراکز پژوهشی، نه. مورد مرکز نشر دانشگاهی از این نظریک استثناست. در واقع، یکی از شرایط شورای انقلاب فرهنگی برای واگذاری مرکز به وزارت علوم این بود، و طبق مصوبه هم عمل شد. مدیریت قبلی مرکز نشر هیچگاه برای گرفتن ردیف بودجه دولتی رغبت نشان نداد، بر خلاف انتشارات سمت که از همان ابتدای کار ردیف دولتی گرفت و می دانید که به لحاظ اداره و گسترش انتشاراتش خیلی موفق تر از مرکز نشر عمل کرد. متأسفانه مرکز نشر زمانی امکان ورغبت گرفتن ردیف بودجه دولتی را پیدا کرد که سیاست کلی دولت این است که مؤسسات موجود در اختیار خود را تا جایی که امکان دارد از بدنه اش

جدا کند، چه رسد به اینکه مجموعه های جدیدی را به خود بیفزاید. این کار در ده یا پانزده سال پیش به راحتی می توانست صورت بگیرد. کما اینکه انتشارات سمت در زمان مناسبی وارد این فرایند شد. در سالهای اخیر در مرکز نشر مسائل و مشکلات بسیار زیادی وجود داشت که روی آنها سرپوش گذاشته شده بود و به ضرر کارکنان آنجا و اهداف

مرکز نشر تمام شد. هیچ نظارتی روی مرکز نبود. چهار سال پیش که سازمان بازرسی کل کشور وضعیت مرکز نشر را مورد رسیدگی قرار داد، دقیقاً روی نارساییهای مالی و مدیریتی مرکز انگشت گذاشت. مرکز نشر وارث این نارساییها و پیچیدگیهاست و باید همه، از وزارت علوم و سازمان مدیریت و برنامه ریزی گرفته تا کارکنان و علاقه مندان مرکز، کمک کنند تا مرکز نشر دانشگاهی از این بحران به سلامت عبور کند. الان همه دارند سعی می کنند راهی بیابند و به مرکز نشر کمک کنند. خود آقای خاتمی، رئیس جمهور، در مورد کمک مالی به مرکز نشر دستور داده اند. البته ردیف بودجه یک موضوع است و کمک مالی به مرکز یک موضوع دیگر. در مورد ردیف بودجه، همان طور که گفتم، نظرها متفاوت است و با افزایش تعهدات دولت به طور کلی مخالفت می شود. اما کمک مالی به مرکز نشر مسئله ای است که همه اتفاق نظر دارند و دنبال راه حل برای آن می گردند.



که می بایست برای تداوم نهضت ترجمه از آنها استفاده می شد، و «می شد» که از این جمعیت قابل توجه، مترجمان توانایی را به کار گرفت و کار ترجمه و ویرایش متون علمی را کمأ و کیفأ ادامه داد، اما نشد. ما این کار را نکردیم. یعنی هیچ راهبردی برای ادامه نهضت ترجمه وجود نداشت. در ضمن، باید فکر می کردیم که چگونه وارد بازار بین المللی کتاب شویم و چگونه حتی به زبان انگلیسی کتاب چاپ کنیم. در دهه دوم به هیچ یک از این سؤاها و نیازها پاسخ داده نشد. از همین روست که ضعف مدیریت، بر سایر عوامل تأثیرگذار در این روند مقدم دانسته می شود.

مرکز نشر وارث این نارساییها و پیچیدگیهاست و باید همه، از وزارت علوم و سازمان مدیریت و برنامه ریزی گرفته تا کارکنان و علاقه مندان مرکز، کمک کنند تا مرکز نشر دانشگاهی از این بحران به سلامت عبور کند



■ درست است که مرکز نشر دانشگاهی مجوز پژوهشکده از وزارت علوم گرفته است؟ مرکز نشر دانشگاهی پژوهشکده نیست. در واقع، شورای آموزش عالی به تمام مؤسساتی که از جنس آموزش عالی هستند یا برای آموزش عالی و پژوهش در نقش پشتیبان عمل می کنند مجوز می دهد. مرکز نشر دانشگاهی هم از شورای

آموزش عالی مجوز گرفته است، اما این بدان معنا نیست که مرکز نشر، پژوهشکده است، بلکه می توان آن را مؤسسه پشتیبان پژوهش نامید. همان وضعیتی که انتشارات سمت دارد، یا کتابخانه منطقه ای شیراز، و تا حدودی مرکز اسناد و مدارک علمی. البته از این اسم گذاری نباید نتیجه گرفت که در مرکز نشر نباید کار پژوهشی انجام شود. قطعاً مرکز نشر باید در زمینه های مرتبط با موضوع فعالیت خود کار علمی و پژوهشی انجام بدهد و حتی به این منظور از مراکز دیگر بخواهد تا برایش کار پژوهشی انجام بدهند. این موضوع اصلاً مصوب شورای انقلاب فرهنگی هم بوده است.

■ ظاهراً مرکز نشر تنها مؤسسه ای است که در انتخاب رئیس برای آن، مانند انتخاب رئیس برای دانشگاه ها رفتار می شود. یعنی رئیس آن را وزیر علوم به شورای انقلاب فرهنگی معرفی می کند و پس از تأیید شورا می تواند کار خود را شروع کند...

بله، رؤسای همه دانشگاه ها به این شیوه انتخاب می شوند، اما رؤسای



چاپ مرکز

کتابهای منتشر شده در اسفند ۱۳۸۳

چاپ اول

مشاوره دربارهٔ کودکان خردسال

جودا گلاس

ترجمهٔ دکتر نیره توکلی



هدف از تألیف این کتاب، پر کردن جای خالی کتاب‌هایی است که به مشکلات عاطفی و رفتاری کودکان پیش‌دبستانی می‌پردازند. مخاطبان کتاب محدود به درمانگران نیستند که می‌خواهند به پدر و مادرها در مورد برخورد عملی روزانه با کودکانشان اندرز بدهند، بلکه به کار تربیت آن دسته از مربیان بهداشت نیز که با پدر و مادرهای جوان سرو کار دارند می‌آید. به علاوه، می‌توان به کار عموم پدران و مادرانی که کودکان خردسال دارند بیاید.

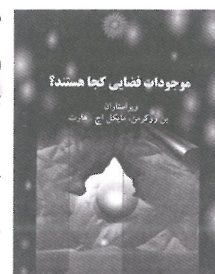
ترجمهٔ کتاب «مشاوره دربارهٔ کودکان خردسال» اولین بار است که چاپ می‌شود و بهای آن ۲۲۰۰ تومان است.

چاپ اول

موجودات فضایی کجا هستند؟

ویراستهٔ بن زوکرمن، مایکل اچ. هارت

ترجمهٔ پیمان اسماعیلیان خامنه



آیا این امکان وجود دارد که حیات فرازمینی در کهکشان راه شیری ما وجود داشته باشد؟ این کتاب تحلیل موشکافانهٔ متخصصان پیشگام در گستره‌ای از علوم مختلف دربارهٔ امکان وجود شکل‌های دیگر حیات هوشمند است. اکتشاف در منظومهٔ شمسی، و رصدهای مربوط

به تلسکوپ‌هایی که عمق فضا را می‌کاوند، هیچ دلیلی برای حیات فرازمینی در اختیار پژوهشگران قرار نداده است. بسیاری از متخصصان حوزه‌های مختلف نجوم، زیست‌شناسی، شیمی، و فیزیک اکنون استدلال می‌کنند که شواهد موجود به این نتیجه‌گیری می‌انجامد که تمدن‌های فناورانه نادرند. پس از ده میلیارد سال، و در میان صدها میلیون ستاره، شاید ما پیشرفته‌ترین مغزها را در کهکشان راه شیری داشته باشیم. این ویراست دوم کتاب، به شرح بسیاری از جنبه‌های جدید پژوهش در موارد حیات هوشمند فرازمینی، به ویژه از نظر زیست‌شناختی، می‌پردازد.

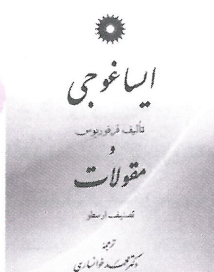
«موجودات فضایی کجا هستند؟» برای اولین بار در ۲۶۸ صفحه و به بهای ۲۴۰۰ تومان به چاپ رسیده است.

چاپ اول

ایساغوجی (تألیف فرفور یوس) و

مقولات (تصنیف ارسطو)

ترجمهٔ دکتر محمد خوانساری

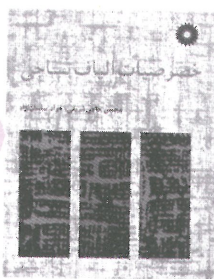


از زمان ترجمهٔ «مقولات» ارسطو از یونانی به عربی، بابرگردان اسحق بن حنین (متوفی ۲۹۸ هـ. ق) و ترجمهٔ «ایساغوجی» فرفور یوس از یونانی به عربی، با برگردان ابو عثمان دمشقی، تا کنون، دانشجویان و محققان و علاقه‌مندان فلسفه و منطق در ایران برای آگاهی از مطالب این دورسالهٔ کلاسیک در منطق یا باید زبان خارجی می‌دانستند یا غیرمستقیم از مطالب کتابهای فلسفی و منطقی چیزی دستگیرشان می‌شد. چاپ جدید ترجمهٔ حاضر که با قلم عالمانهٔ دکتر محمد خوانساری، استاد ممتاز گروه فلسفهٔ دانشگاه تهران و صاحب کتاب دو جلدی «منطق صوری» تدارک



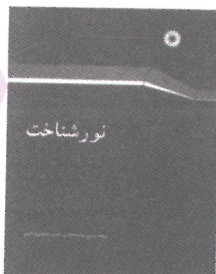
بویژه اقتصاد خرد، ضروری است. مطالب کتاب در سطح دانشجویان سال آخر دوره کارشناسی رشته اقتصاد تهیه شده است و می تواند به عنوان کتاب مقدماتی برای دوره کارشناسی ارشد و رشته اقتصاد و برنامه ریزی شهری و کتاب اصلی برای دانشجویان دوره کارشناسی ارشد رشته های شهرسازی و جغرافیای شهری مورد استفاده قرار گیرد. کتاب «درآمدی به اقتصاد شهری» برای ششمین بار است که به چاپ می رسد. این کتاب ۲۳۲ صفحه ای در شمارگان ۲۰۰۰ نسخه و بهای ۱۷۰۰ تومان منتشر شده و دارای تعدادی نقشه رنگی است.

خصوصیات الیاف نساجی محسن حاجی شریفی، جواد ساسان نژاد



الیاف نساجی اولین عنصر سازنده صنعت نساجی است. با آنکه صنعت نساجی در ایران سابقه ای چند هزار ساله دارد، اما منابع فارسی در این مورد کمتر یافت می شود. از همین رو، نویسندگان این کتاب که اعضای هیئت علمی دانشگاه صنعتی امیرکبیر هستند، بر آن آمدند که این کتاب را به نگارش در آورند. مطالب این کتاب طوری تنظیم شده است که بتواند به عنوان یک درس عمومی در مورد الیاف نساجی ارائه شود. کتاب «خصوصیات الیاف نساجی» اول بار در سال ۱۳۶۳ چاپ شد و اینک، بار چهارمی است که به چاپ می رسد. این کتاب ۳۳۲ صفحه ای، ۲۲۰۰ تومان قیمت دارد.

نور شناخت یوجین هشت، آلفرد زایاک ترجمه پروین بیات مختاری، حبیب مجیدی ذوالبنین

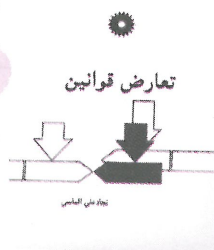


هدف نویسندگان از تألیف کتاب این بوده است که این کتاب برای دوره لیسانس در زمینه نور شناخت، کتاب درسی منحصر به فردی باشد. از این رو، به مقدمات این بحث فیزیکی بیشتر پرداخته شده است. بدین منظور، کتاب چنان فراهم آمده است که قسمت بیشتر آن تنها پس از گذراندن دوره های فیزیک و ریاضیات عمومی، قابل استفاده باشد. کتاب حاضر، گزیده نسبتاً گسترده ای از مباحث مربوط به نور شناخت نوین را فراهم می آورد که استادان روی آنهایی می توانند مواد درسی را تنظیم کنند، به طوری که هم مباحث مورد تأکید خودش را دربر داشته باشد و هم نیاز دانشجویانش را برآورده کند. دانشجویان این کتاب به مراجعه به متون علمی ترغیب شده است و نام و مشخصات بسیاری از مقالات خواندنی مربوط به موضوع بر شمرده شده است.

چاپ اول ترجمه کتاب در سال ۱۳۶۷ منتشر شده و اینک چاپ چهارم آن در اختیار علاقه مندان قرار می گیرد. این کتاب در ۵۵۴ صفحه رحلی و به قیمت ۴۰۰۰ تومان به فروش می رسد.

دیده شده، از جمله کتابهای تازه مرکز نشر دانشگاهی است. استاد دکتر محمد خوانساری ترجمه رساله «ایساغوجی» را با استفاده از متنهای فرانسه و عربی آن، و ترجمه رساله «مقولات» را با بهره گیری از دو ترجمه فرانسوی و یک ترجمه عربی آن به فارسی برگردانده است. این کتاب برای اولین بار به چاپ می رسد و بهای آن ۲۱۰۰ تومان است.

تعارض قوانین نجاح علی الماسی



برنامه تفصیلی درس «تعارض قوانین» یا «حقوق بین الملل خصوصی (۲)» که به تصویب ستاد انقلاب فرهنگی رسیده، متضمن مباحث گوناگونی است که ضمن آشنا ساختن دانشجویان با کلیات و تاریخ تحول تعارض قوانین، اصول حاکم بر رابطه نظامهای ملی و حل تعارض و مسئله اجرای قانون صلاحیت دار، اطلاعات لازم را در اختیار آنان قرار می دهد تا بتوانند راه حل های حقوق بین الملل خصوصی کشور خود را در دعاوی بین المللی اعمال نمایند.

در این کتاب سعی شده است برای قابل فهم شدن مطالب برای دانشجویان، مطالب پیچیده تعارض قوانین به بیانی ساده و آسان به رشته تحریر در آیند تا دانشجویان بتوانند پس از آشنا شدن با مسائل کلی این رشته از علم حقوق، نحوه اعمال و اجرای قواعد ایرانی حل تعارض را فرا گیرند و راه حل دعاوی بین المللی را با توجه به نظام حقوق بین الملل خصوصی ایران بیابند. به علاوه، در هر مورد که ضرورت داشته است، به مقایسه راه حلها و سازمانهای حقوقی ایران با راه حلها و سازمانهای حقوقی سایر نظامهای ملی مبادرت شده تا ضمن ارزیابی موارد اشتراک و افتراق مفاهیم و سازمانهای حقوقی نظامهای ملی حل تعارض، آن قسمت از راه حل های حقوق بین الملل خصوصی ایران که مقتبس از حقوق خارجی است، بهتر فهمیده شود.

این کتاب ۲۲۴ صفحه ای که یازدهمین بار به چاپ می رسد، در ۳۰۰۰ نسخه منتشر شده و بهای آن ۱۷۰۰ تومان است.

درآمدی به اقتصاد شهری سعید عابدین درکوش



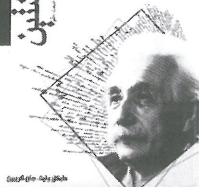
این کتاب با هدف آشنا کردن دانشجویان رشته های اقتصاد، برنامه ریزی شهری، شهرسازی و جغرافیای شهری، مسائل اقتصادی شهرها هم از لحاظ نظری و هم از نظر کاربردی به رشته تحریر در آمده است.

مؤلف سعی کرده است که مطالب نظری کتاب را به زبان ساده بیان کند، اما برای درک دقیق تر مطالب، آگاهی از مفاهیم اولیه علم اقتصاد،



چاپ اول

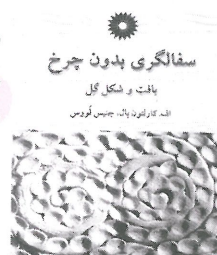
اینشتین، عمری در خدمت علم مایکل وایت، جان گریبن ترجمه دکتر رضا خزانه



سال ۲۰۰۵ را «سال جهانی بزرگداشت اینشتین» نامیده‌اند. اینشتین بدون شک یکی از نمادهای قرن بیستم بوده است، ولی تصویر او تا به حال از تلاش در جهت اسطوره‌زدایی محافظت می‌شد. تفسیر نویسندگان زندگی‌نامه «اینشتین» آن است که اینشتین نه خدا بود و نه شیطان، بلکه انسانی عادی بود، با صفت‌های اخلاقی و با استعداد‌های خارق‌العاده برای رمزگشایی از اسرار عالم. بیشترین تکیه این کتاب بر کارهای علمی ماندگار اوست. به گفته نویسندگان، اگر می‌خواهید بدانید که اینشتین چندبار در روز، دندانهای خود را مسواک می‌زد، پاسخ آن را در این کتاب نخواهید یافت، اما اگر مایلید بدانید که او چگونه به نظریه گرانی دست یافت، یا ثابت کرد که چرا آسمان آبی‌رنگ است، یا راه حلی برای فیزیک یک فنجان چای پیدا کرد، و اگر می‌خواهید بدانید که چرا یک صلح‌طلب کهنه‌کار، پس از کنکاش بسیار با وجدان خود، خواهان توسعه بمب اتمی شد، پاسخ آن را در این صفحات خواهید یافت. ترجمه «اینشتین» اولین بار است که چاپ می‌شود. این کتاب ۳۲۴ صفحه‌ای را می‌توانید به بهای ۲۹۰۰ تومان ایتیاغ کنید.

چاپ اول

سفالگری بدون چرخ بدون چرخ (بافت و شکل گل) اف. کارلتون بال، جنیس لووس ترجمه سنبل نفریه



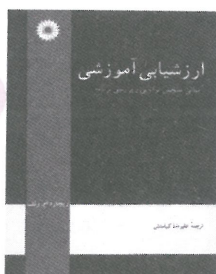
این کتاب ترجمه‌ای است از کتاب قدیمی «هنر سفالگری» کارلتون بال که سنبل نفریه، هنرمند سفالگر ایرانی، به

فارسی برگردانده است. کارلتون بال، مجموعه‌ای کامل از روشهای شکل‌دهی اشیاء گلی کاربردی را بدون استفاده از چرخ سفالگری به خواننده عرضه می‌کند و می‌گوید که چگونه می‌توان از گل، حجمها و شکلهای بافتهای اعجاب‌انگیز آفرید. این کتاب پژوهشی کوتاه و درعین حال عمیق، در عرصه‌ای محدود اما مهم، در صنعت سفال و سرامیک است که خواندنش برای هنرجویان خلاق و علاقه‌مندان سودبخش و لذت‌آفرین است.

ترجمه کتاب «سفالگری بدون چرخ» اول بار است که به چاپ می‌رسد و ۲۶۲ صفحه قطع وزیری آن، ۲۳۵۰ تومان قیمت دارد.

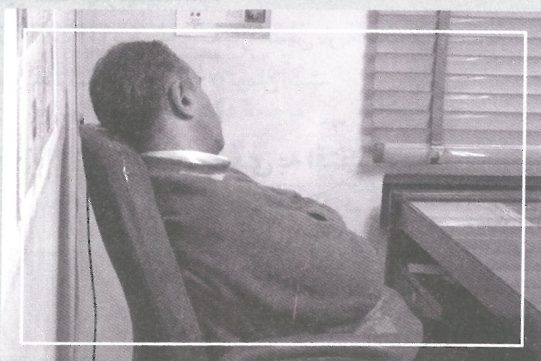
ارزشیابی آموزشی

مبانی سنجش توانایی و بررسی برنامه
ریچارد ام. ولف
ترجمه علیرضا کیامنش



در این کتاب سعی شده است که نظری جامع و منطقی درباره ارزشیابی آموزشی به عاملان ارزشیابی ارائه شود. قصد آن است که محتوای کتاب ضمن آنکه بر مبنایی نظری استوار است، به نهایت عملی باشد. تعدادی از ایده‌های اصلی درباره ارزشیابی آموزشی که ارزششان به اثبات رسیده است، در هم ادغام شده‌اند و چهارچوب جامعی برای ارزشیابی به دست داده‌اند. حاصل این تلاش در فصل دوم ارائه شده است. فصل اول شامل مطالب مقدماتی کلی است و علاوه بر آن، تفاوت ارزشیابی را با پژوهش و اندازه‌گیری مشخص می‌کند. در یازده فصل دیگر کتاب تلاش شده است تا نظریات اساسی مطرح‌شده در دو فصل اول تکامل پیدا کنند.

ترجمه کتاب که اول بار در سال ۱۳۷۱ چاپ شد، اینک پنجمین چاپ خود را از سر می‌گذراند و ۲۸۴ صفحه آن ۲۰۰۰ تومان قیمت دارد.



کارمندان قیلوله می‌کنند! - ظهر یکی از روزهای بهمن ۸۳

عکاس خبرنامه حین گذر از دو اطاق مجاور، این دو صحنه را شکار کرد؛ گرچه صید کردن شکار خفته (!) چندان دشوار نیست.



دفتر مجلات

ایستگاری برای احیای مجلات

گزارش زهرا رحیمدل، مدیر دفتر مجلات،
از بیست سال انتشار مجله در مرکز نشر دانشگاهی

اولین مجله مرکز نشر دانشگاهی، «نشر دانش» بود که در سال ۱۳۵۹ در یازده هزار نسخه به چاپ رسید. آخرین شماره منتشر شده این مجله در سال ۱۳۸۲، در ۳۵۰۰ نسخه چاپ شد که ۱۳۰۰ عدد از آن هنوز در انبار مرکز باقی است. آن گونه که آمارها و اعداد و ارقام دفتر تازه تأسیس مجلات نشان می‌دهند، تا سال ۱۳۷۰ نسبت شمارگان نشریات به فروش آنها مطلوب بوده است. در دهه دوم شکل‌گیری مرکز نشر دانشگاهی، شمارگان و فروش مجلات یازده‌گانه آن، روندی نزولی پیدا کردند، به طوری که در چند سال اخیر به حال نیمه تعطیل درآمدند (نگاه کنید به نمودارهای صفحه بعد). زهرا رحیمدل، مدیر دفتر مجلات، علت را کاهش کیفیت مجلات و عدم انتشار به موقع آنها می‌داند.

تعدد مجلات مرکز و وضعیت نابه‌سامان و ناهماهنگ آنها مدیریت جدید مرکز را بر آن داشت تا با تأسیس دفتر مجلات سروسامانی به اوضاع بدهد تا رونق گذشته را به آنها بازگرداند. مرکز نشر یازده مجله دارد که دو مجله «نشر دانش» و «معارف» با وقفه‌ای یک‌ساله منتشر می‌شوند؛ نشر دانش به علت کناره‌گیری مدیرمسئول و سردبیر آن و معارف به علت کهولت سن و خستگی سردبیر، آقای اسماعیل سعادت. اکنون با معرفی آقای دکتر معصومی همدانی به عنوان سردبیر مجله معارف و آقای سمیعی گیلانی به عنوان سردبیر نشر دانش، به زودی انتشار آن دو نیز از سر گرفته خواهد شد. هم‌اکنون دفتر مجلات دو مجله دیگر را نیز در دستور کار خود قرار داده است: فصلنامه زمین‌شناسی و محیط زیست پایدار و فصلنامه علوم زیستی. ضمن آنکه «خبرنامه مرکز نشر دانشگاهی» به عنوان عضو جدید خانواده نشریات مرکز به صورت ماهانه منتشر می‌شود.

امور مربوط به دفتر مجلات به چهار بخش تقسیم می‌شوند:

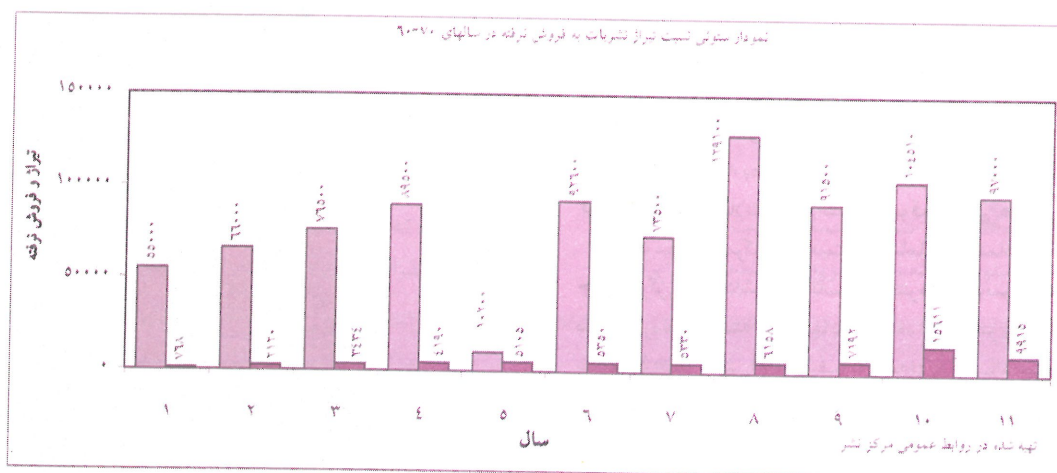
۱. بخش دفتر مجلات که کار هماهنگی در بین اعضای هیئت تحریریه، هماهنگی با سردبیران، مدیریت مرکز نشر و بالعکس را انجام می‌دهد؛
۲. بخش اشتراک داخل و خارج و توزیع مجلات؛
۳. بخش بازرگانی شامل جذب آگهی، بازاریابی، تبلیغات و فروش؛





۴. بخش فنی شامل اداره و هدایت مدیریت داخلی مجلات، ویرایش فنی و آماده سازی، حروفچینی، نسخه پردازی، طراحی و چاپ مجلات. در فاصله زمانی تأسیس این دفتر در تیرماه ۱۳۸۳ تا اواخر سال ۱۳۸۳ دفتر مجلات اقداماتی صورت داده است که اهم آنها از این قرارند:
 ۱. طراحی پوستر مجلات در بین طراحان مرکز نشر به مسابقه گذاشته شد. پوستر برنده، چاپ و به تمام مراکز دانشگاهی و تحقیقاتی کشور ارسال شد.
 ۲. برای بازاریابی مجلات با تمام انجمنها و مراکز علمی دانشگاهی مکاتبه شد و ضمن معرفی مجلات، فهرست همایش ها و سمینارهای علمی آنان در سال ۱۳۸۳ درخواست گردید تا در صورت امکان با شرکت در این همایشها و ارائه مجلات در آنها، به معرفی مجلات مرکز نشر به مخاطبان اصلی آن اقدام شود.
 ۳. با یک شرکت تبلیغاتی در مور جذب آگهی برای مجلات مرکز قرارداد بسته شد.
 ۴. برای سرعت بخشیدن به کار طراحی مجلات، این بخش از آلتیله مرکز نشر جدا شد.
 ۵. نمودار سازمانی دفتر مجلات و شرح وظایف مدیر مسئول، سردبیر، مدیر داخلی، ویراستار علمی، ویراستار فنی، نسخه پرداز و... مشخص شد و به دفاتر مجلات ابلاغ گردید.
 ۶. با کمیسیون نشریات علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مکاتبه شد و مقرر گردید که درجه علمی - پژوهشی یا علمی - ترویجی برای مجلات مرکز نشر گرفته شود.

۷. به علت دیرکرد چاپ مجلات بسیاری از مشترکان از دست می رفتند. با کلیه مشترکان غیر فعال مجلات به همین منظور مکاتبه شد. در نتیجه، تعدادی از مشترکان اعلام آمادگی کردند که مجدداً مشترک مجلات شوند.
۸. برای بازاریابی و اشتراک مجلات، به تمام کتابخانه های دانشگاه ها و مراکز تحقیقاتی علمی، فهرست مجلات ارسال شد.
۹. با هیئت امنای کتابخانه ملی مکاتبه شد. این هیئت پذیرفت که تعدادی از نسخه های مجلات مرکز نشر را خریداری کند. از جمله، ۶۷۲ نسخه مجله بهداشت جهان، همین تعداد باستان شناسی و تاریخ، و نشر ریاضی، و ۲۹۲ نسخه مجله زبان شناسی.
۱۰. هم اکنون تیراژ مجلات مرکز نشر بر اساس برآورد تعداد مشترکان و فروش تعیین می شود.
- دفتر مجلات در ادامه گزارش خود، اولویت های سال آینده فعالیت های خود را چنین اعلام کرده است:
 ۱. در برنامه چهار ساله مرکز نشر پیش بینی شده است که تعداد مجلات مرکز به بیست مجله برسد که تاکنون برای مجوز دو مجله اقدام شده و بقیه در دستور کار دفتر مجلات قرار گرفته است.
 ۲. انتشار دوماهنامه «بهداشت جهان» در سال آینده و در برنامه های بعدتر انتشار ماهنامه آن.
 ۳. چاپ به موقع مجلات.
 ۴. جذب آگهی برای تمام مجلات مرکز نشر.
 ۵. تبلیغات و بازاریابی بیشتر در دانشگاه ها و مراکز تحقیقاتی و مراکز مربوط.





چرا مجلات مرکز به موقع در نمی آیند

یادداشتی از نادر حیدری در مورد علل تأخیر در انتشار مجلات مرکز
و چند نظر دیگر



اگر از هاجر امین زاده پیرسیم، خواهد گفت مجله شیمی همیشه سر وقت درآمده و این اولین بار است که انتشار مجله شیمی با وقفه مواجه می شود و آن هم به علت مشکلاتی است که در بخش حروفچینی مجلات پیش آمده است. اما دیگران علل دیگری برمی شمردند: شهرناز اعتمادی، به ارزیابی کند مطالب مجله باستان شناسی اشاره می کند: زهرا دلاوری حساسیت و وسواس هیئت تحریریه مجله نشر ریاضی را پیش می کشد: هایدو عبدالحسین زاده چندزبانه بودن مجله ایران باستان و پراکندگی هیئت تحریریه آن را در اقصانقاط عالم برمی شمرد؛ و زهرا رحیمدل هم از کندی مراحل فنی مجله فیزیک گله می کند.

جریان از این قرار است که بازار یابی، فروش، جذب مشترک و جذب آگهی برای هر مجله ای بستگی به روزآمد بودن و چاپ به موقع آن دارد. دفتر مجلات مرکز نشر با هیئت امنای کتابخانه های کشور برای خرید مجلات وارد مذاکره شده بود و آنها قرار بود بیشتر مجلات مرکز نشر را خریداری کنند. ولی به موقع چاپ نشدن مجلات مرکز نشر، حتی دادن آگهی به روزنامه ها را هم با مشکل مواجه کرد.

انتشار مجله فیزیک تاخیری یک ساله دارد؛ مجله باستان شناسی و تاریخ نیز به همینچنین. ایضاً مجله نشر ریاضی. شش ماه از مهلت آخرین طبع مجله نامه ایران باستان می گذرد؛ نیز مجله پژوهش های ایران شناختی و مجله ایران باستان. چرا مجلات مرکز به موقع در نمی آیند؟ امین زاده می گوید همه جواب را می دانند، گفتن و نیش قی کردن آن چه فایده دارد؟ اما نادر حیدری، ویراستار مسئول مجله فیزیک، حرف های بسیاری برای گفتن دارد. حیدری خواهش خبرنگار را پذیرفت و به تفصیل مسائل مربوط به تأخیر در انتشار مجلات و به طور خاص مجله فیزیک را روی کاغذ آورد.

مشکل بین ما ایرانی هاست: مشکل حقوق و مواجب. انتشار مجله، چه علمی و چه غیر علمی، برای خودش حرفه ای است. یعنی کسانی که دست اندرکار انتشار مجله و روزنامه هستند حرفه ای هستند؛ حرفه شان همین است و کار دیگری ندارند و دور و برشان را آدم های حرفه ای دیگری پر کرده اند که از آنها چیز یاد می گیرند یا بهشان چیز یاد می دهند. و البته باین حرفه زندگی شان هم تأمین است. یعنی اگر تمام وقت خود را صرف این کار می کنند، در عوض آن قدر هم پول دریافت می کنند که زندگی ای در خور پسندشان داشته باشند؛ دست کم معمولاً این طور است. در اینجا وضع چطور است؟ من که ویراستار مسئول مجله فیزیک هستم، حتی در

به نظر من، تأخیر در انتشار مجلات مرکز نشر، یا دست کم مجله فیزیک، ناشی از مشکل خاصی نیست که بتوان با انگشت گذاشتن روی آن و سعی در رفع آن کاری کرد که ناگهان همه مجلات به موقع و منظم چاپ شوند. به نظر من هر جا که انگشت بگذارید کار خراب است، یعنی ما از نوعی نابه سامانی عمومی رنج می بریم و در نتیجه اگر بخواهم بگویم مشکل چیست، نمی دانم از کجا شروع کنم، ضمن اینکه این مشکلات چیزهایی بسیار واضح هستند که همه کم و بیش از آن اطلاع دارند و در نتیجه اصلاً نمی دانم گفتنشان فایده ای دارد یا نه. شاید باید مرور بر مشکلات را با مشکلی شروع کنم که محبوب ترین



استخدام مرکز نشر هم نیستیم، بلکه به اصطلاح «کنتراپی» کار می‌کنم. بابت هر شماره حدود ۴۰۰ کیلو تومان دریافت می‌کنم که با متوسط دو شماره در سال می‌شود ۸۰۰ کیلو تومان در سال. آیا با این پول می‌توان زندگی گذراند؟ در واقع، آدم باید خل باشد که به خاطر این پول رنج جست‌وجوی جای پارک در خیابان پارک را بر خود هموار کند! که خوب، من هستم!

از موقعی که کار ویراستار مسئول را آغاز کردم، خود را در میان جمعی یافتیم که پُر هستند از تلخی نسبت به زندگی و دیگران با مشکلاتی مشابه که مهم‌ترین بنبش البته همین مشکل حقوق است. یعنی نه منطقاً می‌توانم انتظار کار درست از آنها داشته باشم و نه اختیاراتی دارم که از آنها کار درست بخواهم. قرار بود مرکز نشر سازمانی باشد که در آن ویراستار و مترجم حرفه‌ای تربیت می‌شود. در عوض، من سازمانی دیدم فرسوده و خسته و اگر نگویم ربه اضمحلال، می‌توانم دست کم بگویم دچار روزمرگی و صرفاً بقا تاروژی دیگر. ترجمه‌ها و مقاله‌هایی هم که به دست من می‌رسید (چه از کسانی که در مرکز نشر کار می‌کنند و چه از بیرون مرکز نشر از کسانی که با مجله فیزیک سابقاً همکاری می‌کرده‌اند) بسیار بد بود

و ویرایش آنها معادل بود با ترجمه یا تألیف مجدد. کار ویرایش هم در مرکز نشر با شلختگی بسیار همراه است و محدود است به اِعمال شیوه نگارش بسیار غیر منطقی مرکز نشر که اگر بخواهیم دستورات مبهم آن را دقیق اِعمال کنیم، باید همیشه چند جدول (مثلاً درباره چسباندن یا نچسباندن «ها» و «تر») همراه داشته باشیم.

خوب، چرا این بلا باید سر مرکز نشر آمده باشد؟ این هم برمی‌گردد به چیزی که زبان زد خاص و عام است: مشکل مدیریت. البته گمانم این است که بیشتر کسانی که به مدیران بد و بی‌راه می‌گویند، اگر خود سرکار بودند، کار بیشتری پیش نمی‌بردند. زیرا همان طور که گفتم، ما از نابه‌سامانی‌ای عمومی رنج می‌بریم، یعنی مشکلات فرهنگی داریم که دست‌اندرکاران و منتقدان نشان به یک اندازه در آن سهم دارند. من همین قدر می‌توانم بگویم که مدیر خوب در این مملکت کسی است که حاضر باشد آستین بالا بزند و دست‌هایش را به کارهای عادی بیالاید، یعنی بر کوچکترین جزئیات کار نظارت کند که کار بسیار سختی است. معمولاً می‌گویند مدیر باید کار را به دیگران بسپارد (اصطلاح خارجی‌اش فعل delegate است)، ولی به نظر من، این روش مدیریت به درد کشورهایی می‌خورد که درصد افراد کاردان با احساس تعهد و مسئولیت، از حد بحرانی بیشتر باشد. یعنی در میان افراد بادمجان دورقاب چین و زیرکار دررو که همه جاپیدامی شوند، تعداد مناسبی افراد کارکن و متعهد وجود داشته باشد. در این صورت، مدیر خوب کسی است که این افراد را شناسایی کند و کار درخور را به آنها بسپارد. گمان من این است که تعداد چنین افرادی در ایران بسیار کمتر از حد بحرانی است و در نتیجه یافتنشان به بخت و اقبال بستگی دارد و شناسایی این افراد مستلزم آن

است که مدیر با جزئیات کار آشنا باشد تا اصلاً بفهمد چه موقع کسی کاری را درست انجام می‌دهد و خیلی وقت‌ها باید زحمت یاد دادن کار را خودش تقبل کند، زیرا آدمش پیدا نمی‌شود. عبارت دیگری هم در انگلیسی هست به این شکل: to rule by proxy، که معنی‌اش چیزی شبیه به همان delegate کردن کارهاست، اما proxy کمی بی‌اختیارتر است. حرف من این است که در ایران با proxy نمی‌توان کارها را گرداند. متأسفانه خصوصیات فرهنگی ما طوری است که بیشتر با این نوع اخیر مدیریت می‌خواند و نه مدیریت پر زحمت، زیرا فرهنگ ما هنوز عمدتاً فئودالی است و مدیر بودن کمی شبیه است به خان بودن! خان‌ها هم که اغلب کار نمی‌کردند و فقط فحش می‌دادند. نتیجه این می‌شود که جزئیات کارها اغلب بر عهده آدم‌های بادمجان دورقاب چین قرار می‌گیرد و کارها روزمره و صوری می‌شود و نوآوری‌ای هم در کار نیست، چون در فرهنگ فئودالی بدعت‌گذاران را اغلب به دار می‌آویختند. عجیب نیست که با این نوع مدیریت، سازمان‌ها سر یغافرسوده و کهنه می‌شوند.

با این تفصیل، کار انتشار مجلات علمی بر عهده افرادی است که به این نوع کارها علاقه دارند. اما صرفاً با علاقه همه کار نمی‌توان کرد. مشکلات خاصی که من هم اکنون دارم، یکی این است که هیچ مجله‌ای از نوع مجلاتی که لازم داریم دریافت نمی‌کنم. دیگر اینکه افراد زیادی نیستند که بخواهند با من همکاری کنند و من هم بخواهم که آنها با من همکاری کنند. کسانی بوده‌اند که قبلاً زحمت همین مجله را می‌کشیده‌اند، ولی به خاطر رفتاری که در مرکز نشر با آنها شده است، دیگر حاضر نیستند با مجله کار کنند. گاهی کسی پیدا می‌شود، چیزی می‌نویسد یا چیزی ترجمه می‌کند، اما پرازشتابه یا نارساست. به خاطر همان خصوصیات فئودالی فوق‌الذکر، اگر به آنها اشتباهشان را بگویید قبول نمی‌کنند و قهر می‌کنند و به عنوان ویراستار مسئول باید وقت و انرژی صرف سروکله زدن با آنها بکنم.

وقتی هم کار انتخاب و ترجمه و ویرایش مجله تمام می‌شود، اغلب یکی دو ماه باید صبر کنیم تا مجله به مرحله تولید برسد. کار حرفچین‌ها، هم سنگین است و هم احتمالاً خیلی بیش از مقداری که در ازایش پول دریافت می‌کنند. تقریباً هر بار مشکلی پیدامی‌شود. اخیراً گروه حرفچینی مجبور شد محل کار قبلی خود را تخلیه کند و در این نقل و انتقال کامپیوترهای قدیمی‌شان آسیب دید. سیستم‌های جدید هم برایشان ناآشنا بود. ضمن اینکه آن‌طور که شنیدم، فروشنده سیستم‌های جدید هم پشتیبانی لازم را نمی‌کند. خوب، به نظر من بهتر بود به گروه حرفچینی اجازه داده می‌شد تا زمانی که محل جدید و سیستم جدید به کارایی برسد، از مکان و سیستم قبلی خود استفاده کند. به فروشنده سیستم‌های جدید هم باید فشار وارد می‌شد که بیشتر همکاری کند و دست کم تا زمان کارآ شدن سیستم‌های جدید پولش را دریافت نمی‌کرد. این مستلزم نوعی

مدیر خوب در این مملکت کسی است که حاضر باشد آستین بالا بزند و دست‌هایش را به کارهای عادی بیالاید، یعنی بر کوچکترین جزئیات کار نظارت کند که کار بسیار سختی است





نوبت بعد از ظهر حروفچینی که از ساعت یک بعد از ظهر شروع می‌شود، از سال ۱۳۷۳ به وجود آمد. تا مدت‌ها اغلب - و بلکه تمامی - مجلات مرکز در این نوبت حروفچینی می‌شدند. مجلات شیمی، فیزیک، زبان‌شناسی، معارف، بهداشت جهان، باستان‌شناسی، نشر دانش، نشر ریاضی، انسان‌شناسی، نامه ایران باستان، و پژوهش‌های ایران شناختی تا سال ۱۳۷۵ در اختیار این نوبت بودند. در سال ۱۳۷۵ مجلات بهداشت جهان و نشر دانش به نوبت صبح رفتند، مجله نشر ریاضی به علت کمبود نیرو پس فرستاده شد، چاپ مجله انسان‌شناسی متوقف گردید، و مجله معارف نیز پس از هشت سال از این گروه نقل مکان - و به عبارت صحیح‌تر، نقل نوبت - کرد.

ابری در جای دیگری از یادداشت خود به پاره‌ای از مشکلات و کاستی‌ها که در تأخیر کارها اثرگذار بوده‌اند پرداخته است:

۱. از مهرماه سال ۱۳۸۳، محل استقرار واحد حروفچینی در ساختمان شماره ۳ مشخص شده بود. بنابراین، یا باید محل استقرار این واحد را از لحاظ سیم‌کشی برق، سیم‌کشی شبکه، نور و روشنایی، رنگ دیوارها، تهویه هوا، حل مشکل نوسان برق و... کاملاً آماده می‌کردند و بعد تصمیم به انتقال این واحد می‌گرفتند، یا آنکه این واحد را در نوبت آخر جابه‌جایی قرار می‌دادند تا آماده نبودن شرایط و محیط کار باعث تأخیر در روند کار مجلات نمی‌شد.

۲. این واحد - درست یا نادرست - عهده‌دار انجام شکل‌های چهار مجله

فیزیک، باستان‌شناسی و تاریخ، پژوهش‌های ایران شناختی، و نامه ایران باستان شده است. در نظر مسئولان این نشریات، زمان لازم برای انجام گرفتن این مسئولیت تازه با توجه به کمبود امکانات (نداشتن اسکتر و نرم‌افزارهای مناسب و حرفه‌ای جهت کارهای گرافیکی) و نیرو برای این واحد در نظر گرفته نشده است.

۳. نوسانات برق سرور تک فارسی تحت یونیکس این واحد را از کار انداخت و دوباره کاری مفصلی را موجب شد.

۴. انتقال از تک فارسی تحت داس به تحت ویندوز نیاز به رفع اشکالات متعددی داشت که باید به تدریج و با کمک شرکت داده‌کاوی ایران حل می‌شد.

در پایان این یادداشت، ابری از زمزمه‌های مربوط به حذف یا ادغام نوبت بعد از ظهر اظهار نگرانی کرده و گفته است آیا فضای موجود در ساختمان شماره ۳ مرکز ظرفیت این تعداد حروفچین را دارد؟ و آیا با این کار، سرعت حروفچینی بالا می‌رود؟ به علاوه، آیا می‌شود تجربه ده ساله یک گروه کاری را به باد داد؟



تقسیم‌کار بین یادگیری کار با سیستم جدید و ادامه کارهای جاری با سیستم قبلی بود که طبعاً کارها را کند می‌کرد، اما دست کم کارها متوقف نمی‌شد.

دست آخر باید به مشکلی اشاره کنم که فکر نمی‌کنم اصل ماجراست. در این مملکت ما کتابخوان و مجله‌خوان خیلی کم داریم. بازاری برای مجلات علمی نیست. من خودم در دانشگاه صنعتی شریف شاهد بودم که دانشجویان، کتابهای فیزیک هالیدی و رزنیگ را تکه پاره می‌کردند تا مجبور نباشند همه کتاب را با خود به دانشگاه بیاورند. بعد هم همین تکه پاره‌ها را به دانشجوی سال بعد می‌دادند. در یکی از شماره‌های اخیر از خوانندگان خواستم که برای مجله بنویسند چه کار باید کرد تا مجله خواندنی شود، فقط یک پاسخ دریافت کردم که آن هم پیشنهاد کرده بود مقالات را ترجمه نکنیم و به همان زبان اصلی چاپ کنیم، چون فقط مقالاتی را می‌خواند که به کارش مربوط باشد و ترجیح می‌دهد این مقالات را به زبان اصلی بخواند! من ویراستار مسئول، اصلاً نمی‌دانم چند خواننده دارم. و آیا بیشترشان مثل همین خواننده فکر می‌کنند؟ در این مملکت کسی

دلش نمی‌خواهد بابت مجله و کتاب پول خرج کند و برای این نوع محصولات فکری کسی ارزش قائل نیست. در کشورهای دیگری که وضع بهتری از نظر نشر مجله و کتاب دارند، خیلی‌ها نه تنها کتابی را که دارند خوب نگاه می‌دارند، بلکه اگر ویراست جدیدی از کتاب منتشر شود، آن را هم می‌خرند. وقتی بازار مجله و کتاب در چنین وضع

کساد باشد، مجله‌اش این طور می‌شود و کتابش هم آن طور. اگر بازار نشر یا تمان طوری بود که مجله یا کتاب خوب ارزش داشت، هم حقوق و مواجب دست‌اندرکارانش درست می‌شد، هم مدیریتش بهتر می‌شد، هم آدم حرفه‌ای پیدا می‌شد، به موقع هم در می‌آمد. من فکر می‌کنم کسانی که از تأخیر در انتشار مجلات شکایت دارند، باید شکر کنند که همین تک و توک مجله هم به زور سوسید دولت و مرکز نشر منتشر می‌شود.

از این روضه خوانی مفصل پوزش می‌طلبم و برای خواستاران انتشار به موقع مجلات حلم و صبر جزیل آرزو مندم.

نادر حیدری
ویراستار مسئول مجله فیزیک

تکمله: مشکلات فنی

اما یکی از علل تأخیر اخیر در انتشار مجلات، مشکلاتی بود که در جریان جابه‌جایی واحدها به ساختمان شماره ۳ و تغییر سیستم‌های رایانه‌ای بخش حروفچینی روی داد. آزاده ابری، مسئول سابق نوبت بعد از ظهر حروفچینی که شش عنوان از مجلات مرکز برای حروفچینی به نوبت او سپرده شده‌اند، در متنی نسبتاً طولانی به مشکلاتی که با آن مواجه بوده و مشکلات جدیدی که اخیراً به آنها افزوده شده اشاره کرده است.



پرفروشهای مرکز نشر دانشگاهی در سال ۱۳۸۳

۱. برگزیده متون ادب فارسی
به اهتمام جلیل تجلیل و جمعی دیگر



پرفروش ترین کتاب مرکز در سال ۱۳۸۳
میزان فروش: ۷۵ هزار نسخه
اولین نوبت چاپ: ۱۳۶۲
آخرین نوبت چاپ: سی و پنجم، ۱۳۸۳
آخرین تیراژ: ۲۰ هزار

۲. فیزیک هالیدی (جلد اول)
رابرت رزنیك، دیوید هالیدی و کیت اس. کرین



میزان فروش: ۳۲ هزار نسخه
اولین نوبت چاپ: ۱۳۶۲
آخرین نوبت چاپ: چاپ چهارم از ویراست
چهارم، ۱۳۸۳
آخرین تیراژ: ۲۰ هزار

۳. تاریخ تحلیلی اسلام
سید جعفر شهیدی



میزان فروش: ۲۰ هزار نسخه
اولین نوبت چاپ: ۱۳۶۲
آخرین نوبت چاپ: سی و ششم، ۱۳۸۳
آخرین تیراژ: ۱۵ هزار نسخه

۴. حساب دیفرانسیل و انتگرال و
هندسه تحلیلی لیتهلد (جلد اول)
لوئیس لیتهلد



میزان فروش: ۱۷ هزار نسخه
اولین نوبت چاپ: ۱۳۶۵
آخرین نوبت چاپ: بیست و یکم، ۱۳۸۳
آخرین تیراژ: ۱۵ هزار نسخه

۵. حساب دیفرانسیل و انتگرال و
هندسه تحلیلی توماس (جلد اول)
جورج توماس و راس فینی



میزان فروش: ۱۵ هزار نسخه
اولین نوبت چاپ: (ویرایش هفتم) ۱۳۷۰
آخرین نوبت چاپ: چهاردهم، ۱۳۸۳
آخرین تیراژ: ۱۲ هزار نسخه

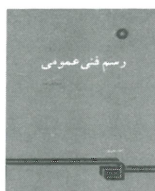
۶. شیمی عمومی مورتیمر (جلد اول)
چارلز مورتیمر



میزان فروش: ۱۰ هزار نسخه
اولین نوبت چاپ: --
آخرین نوبت چاپ: چهاردهم، ۱۳۸۳
آخرین تیراژ: ۱۰ هزار نسخه

۷. حساب دیفرانسیل و انتگرال و
هندسه تحلیلی توماس (جلد دوم)
جورج توماس، راس فینی
میزان فروش: ۱۰ هزار نسخه
اولین نوبت چاپ: (ویرایش هفتم) ۱۳۷۰
آخرین نوبت چاپ: دهم، ۱۳۸۳
آخرین تیراژ: ۱۲ هزار نسخه

۸. رسم فنی عمومی (ویرایش دوم)
احمد متقی پور



میزان فروش: ۱۰ هزار نسخه
اولین نوبت چاپ: ۱۳۶۳
آخرین نوبت چاپ: هفدهم، ۱۳۸۳
آخرین تیراژ: ۱۰ هزار نسخه

۹. مبانی شیمی تجزیه (جلد اول)
اسکوگ، وست، هالر



میزان فروش: ۸ هزار نسخه
اولین نوبت چاپ: ۱۳۷۶
آخرین نوبت چاپ: پنجم، ۱۳۸۳
آخرین تیراژ: ۸ هزار نسخه

۱۰. فیزیک هالیدی (جلد سوم)

میزان فروش: ۸ هزار نسخه
اولین نوبت چاپ: ۱۳۶۶
آخرین نوبت چاپ: بیست و یکم، ۱۳۸۳
آخرین تیراژ: ۱۰ هزار نسخه

مدیر مسئول: دکتر فرید مژ
دبیر تحریریه: حبیب اله حبیبی فهیم
صفحه آرا: جعفر خدایی

عکس ها از: محمدرضا شاهرخي نژاد، گلناز بهشتی و آرش یداللهی
با تشکر از: سید مجتبی نوری، زهرا رحیمدل، مهندس محمدرضا داهی، نادر حیدری،
پروین زنجانی، آزاده ابری، اکرم راسخ، شهلا تقوی، و حمیدرضا دمیرچیلو

این نشریه در نرم افزار پیچ میکرو نسخه ۷ (پیچ) صفحه آرای شده است.
قلم های به کار رفته عبارتند از: نازنین نازک، نازنین سیاه، میترا سیاه و مستقیم نیلی.

نشانی: تهران، خیابان خالد اسلامی، کوچه سوم، شماره ۱۸، طبقه دوم، روابط عمومی و امور بین الملل. تلفن: ۸۷۲۲۴۹۸-۹

خبرنامه
مرکز نشر دانشگاهی
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

شماره چهارم، فروردین ماه ۱۳۸۴